

## معرفی یک نسخه خطی مجموعه قصاید در کتابخانه مرکزی دانشگاه هندویی بنارس

♦ پروفیسور سید حسن عباس

در کتابخانه مرکزی دانشگاه هندویی بنارس ذخیره خوبی از نسخه‌های خطی فارسی نگهداری می‌شود و فهرستی از آن به کوشش شادروان، پرفیسور امرت لعل عشرت (۱۹۸۹-۱۹۳۰م.) به انگلیسی منتشر شده است. در این فهرست ۹۳۷ نسخه خطی معرفی گردیده، که البته تعداد واقعی نسخه‌ها بیش از این تعداد است. اخیراً نسخه‌ای از این گنجینه پربها به مطالعه در آمد که در فهرست باعنوان «مجموعه قصاید» نامیده شده است. شماره این جنگ ۴۹۱ و تعداد برگ‌ها ۲۳۸، مؤرخ ۱۸۶۰م. و موضوع آن شعر است و در توضیحات آن آمده است که، یک مجموعه خوب، به خط نستعلیق و خوانا، دارای گزیده اشعار عارف سبزواری، شیخ علی‌حزین اصفهانی، شوکت بخاری و حامد آذربایجانی و غیره. آغاز!

به دهن تا که ترم کام و زبان خواهد بود دم به دم از میم آلوده دهان خواهد بود  
روی برگ اول در گوشه‌ای به همان خط که این جنگ در آن کتابت شده، چنین  
نوشته شده است:

قصاید عارف سبزواری خراسانی  
قصاید شیخ علی‌حزین گیلانی

---

♦ دانشگاه. رییس کتابخانه رضا، رام‌پور؛ shabbas\_05@yahoo.co.in

۱. فهرست نسخه‌های خطی فارسی دانشگاه بنارس، ص ۹۴.

قصاید شوکت بخارائی

قصاید حامد آذربایجانی

قصیده (عربی) مولوی فضل حق خیرآبادی

قصاید علی نقی کمره‌ای

نسخه از لحاظ خط خوب و خوانا و کیفیت آن نیز خوب است. البته این جُنگ فقط قصیده ندارد، بلکه غزلیات و مخمّسات و تضمینات نیز در آن دیده می‌شود. فهرست مطالب این جُنگ به قرار زیر است:

«من مخمّسات جناب عارف نعمة‌اللهی السبزواری الخراسانی» که بیشتر غزلیات حافظ را تضمین کرده است.

#### مخمّس

۱. به دهن تا که ترم کام و زبان خواهد بود
۲. منم که گشته‌ام آواره دشت و صحرا را
۳. زمان رنج و ملال و الم نخواهد ماند
۴. عالمی را به نظر زیر و زبر می‌بینم

#### غزلیات و تضمینات

۱. سحر به عزم صبحی من شراب‌زده
۲. ز پیر باده‌فروشم نصیحتی یاد است
۳. هرکسی را در درون خلوتِ دل راه نیست
۴. تا کی به لب فشارم دندان مدعا را
۵. هرطرف گسترده زاهد دام را

#### غزلیات

۱. آن‌چاهش از دیده می‌جستیم در دل بوده است
۲. بیشه وحدت گزیدن بیشه شیر است و من
۳. ای دل اندر عشق‌بازی درد می‌باید کشید

۴. هرچند کز او نهفته تر نیست
۵. طره‌ات مشک‌ساست می‌دانم
۶. وصف رخسارت بهر تقدیر نتوانست کرد
۷. گیرم که وصل یار میسر نشد نشد
۸. خون دل ما رنگ حنا شد شده باشد
۹. با درد بسرکن که دوايي به ازین نیست
۱۰. تاجداری کنی چه خواهی کرد
۱۱. اگر عمری طرب کردی چه کردی
۱۲. باشد که یارب بینمت پیچان و چسپان در بغل
۱۳. در طریق عاشقی خواهی قدم برداشتن
۱۴. خواهی اندر کعبه، خواهی ساکن بتخانه باش

#### مخمس (مکرر)

۱. به دهن تا که ترم کام و زبان خواهد بود
۲. یار ما از ما جدا شد آه آه
۳. گفتم لبش بجانب ما وا شود نشد
۴. در می‌کده بنشین که مقامی به ازین نیست
۵. خرم دلی که بر دل پیر مغان رسد
۶. در منت [خلق] جامه ناموس دریدیم عبث
۷. عشاق را به حور و به غلمان چه احتیاج
۸. ذره ذره همه عالم به‌هوایت رقااص
۹. ز من شنو مشو اندر پی کمال آن‌جا
۱۰. تا چند کوچه‌کوچه دَوم در وفای دل
۱۱. به ملک دل علمداری ازین بهتر چه می‌خواهی
۱۲. گیرم که بخت یار تو شد شد، نشد نشد

## قصایدِ شیخ علی حزین

۱. غیر نفی غیرتِ یکتای بی همتاستی
۲. پرتوی روی تو را نیست جهان پرده‌دار
۳. پیوند بود با رگِ جان خار ستم را
۴. جان تازه ز تَر دستِ ابرست جهان را
۵. مرغ شب پیشتر از آن که برآرد آواز
۶. از چاک سینه چون جرس آوا برآورم
۷. آمد سحر ز کوی تو دامن‌کشان صبا
۸. ای موی تو را غالیه‌سا عنبر سارا
۹. یک پرده شنید است صلا گوش اصم را
۱۰. در زیر لب آوازه شکستیم فغان را
۱۱. با همه سیلی که شسته روی زمین را
۱۲. بریده لذتِ دردت ز دل تمنی را
۱۳. شد جان و هوش و صبر و خرد را ز کار دست
۱۴. زین ششدرم چو بال‌فشانی دهد گشاد
۱۵. زان پیش کز فراز در هفت‌خوان صبح
۱۶. چون شست غمزه تو گشادِ کمان دهد
۱۷. آن‌جا که خامه شکرِ گفتار بشکند
۱۸. غم چو در سینه لنگر اندازد
۱۹. با همه دعوای اسلام چو اصحاب سعیر
۲۰. مشکینه طره‌یی به شب عنبرین لباس
۲۱. آن طایر قدسم که چکد خون ز صفیرم
۲۲. مزده یاران که ازین منزل ویران رفتم
۲۳. دل فلک معنویست عقل رصدانِ او
۲۴. نظر کن در سوادِ صفحه‌ام تا گلستانِ بینی

۲۵. ای نگاهت به صید دل بازی
۲۶. زده‌ام طبل عشق و رسوائی
۲۷. خوش آن‌که دل به یاد تو رشک چمن شود
۲۸. قول و عمل زشت و نکو گرچه فضاکرد
۲۹. دل شاد را جمع ساغر نماید
۳۰. در صبح عارض از خط مشکین نقاب‌کش
۳۱. تا در چمن این سرو برازنده چمان‌ست
۳۲. نی خامه دارد سرخوش‌نوائی
۳۳. از یمن سرفرازی مدح خدا بگان
۳۴. ای دل لباس عاریتی از جهان خواه
۲. ای پرتو جمال تو را مظهر آفتاب
۳. هرچند که دنیاست ره و ما همه راهی
۴. بنده‌ام، مسکنت سرای من است
۵. چشمم گشوده است در فیض نوبهار
۶. نه‌بندی دل ای بخرد هوشیار
۷. ای به طبع تو افتخار سخن
۸. دوش دلم چون کشید خنجر آه از قراب
۹. خمش زخوی تو عاشق بود زبانش و لرزد
۱۰. ای مژه و غمزات صفدر صاحبقران (فقط دو بیت آمده)
۱۱. آتش زده آهم اختران را

شایسته ذکر است که در دیوان حزین لاهیجی، چاپ بیژن ترقی، قصاید شماره ۴۱ تا ۴۴ مفقود است. همچنین یک نسخه خطی از دیوان حزین لاهیجی نیز در کتابخانه مرکزی دانشگاه هندوی بنارس به شماره پیاپی ۱۹۲ موجود است که آن هم بیشترین قصاید حزین لاهیجی را در بردارد و آقای دکتر عمر کمال‌الدین آن نسخه دیوان حزین

را معرفی کرده است.<sup>۱</sup> سپس، بعد دو صفحه ساده، ترقیمه‌ای آمده است بدین گونه:

«الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سید المرسلین و علی آله  
الاکرمین الی یوم الدین، که به اتمام رسید قصائد جناب ابلغ المتقدّمین و  
افصح المتأخرین، حاوی کمالات علمی و عملی، جامع فضائل و فواصل خفی  
و جلی، زبدة الشعراء الاکملین، مولانا الشیخ محمد علی المتخلّص بحزین، از  
مردم لاهیجان گیلان است و از اولاد شیخ زاهد مرشد شیخ صفی الدین اردبیلی  
است، که صاحب سلسله سلاطین صفویه بود و والد ماجد او ابوطالب نام  
داشت، ازین جهت سجع نگینش علی ابن ابی طالب بوده است، و خالی از  
لطفی نیست، و در زمان نادرشاه از ایران وارد هندوستان گشته آخر در بلدة  
بنارس رحل اقامت انداخته بسامان امارات عمر شریف بسر برد. تمت  
هذا القصاید در سنه ۱۲۷۷ هجری نبوی صلعم در شهر محرّم الحرام»

پس از این نیز دو برگ (۴ صفحه) آمده است و سپس تحت عنوان قصاید علی نقی  
کمره‌ای یک قصیده وی نقل گردیده است:

چو خفتگان لحد را صباح روز نشور

سپس باز هم ۳ برگ (۶ صفحه) ساده گذاشته شده و با عنوان، قصاید شوکت  
بنخارائی، قصیده‌های زیر از وی آمده است.

۱. بس که دارد ناتوانم دور چرخ بی وفا

۲. بس که جوشد شعله حل کرده از مینای من

۳. صاحباً رنگ عیشت افزون باد

۴. بیاض صبح که آمد بدیده مخمور

۵. خالت شرر ز شعله گل آشکار کرد

۶. شبنم تشنه لب ز تو سیراب

۷. آشیان را زدم آتش ز گلستان رفتم

۸. وجود کوه چنان نرم شد ز ابر مطیر

۱. رک: مجله قند پارسی، شماره ۳۰-۲۹، ص ۱۶۰-۱۵۵ (ویژه‌نامه حزین لاهیجی).

بعد یک صفحه ساده با عنوان قصاید ملا حامد آذربایجانی، قصاید و غزلیات وی آورده شده است:

#### قصیده

زمانه از پی کینم کشیده تیغ ستم

#### غزلیات

۱. ساقی حوض کوثر است علی(ع)
۲. از من چه خطا دیده‌ای ای نور دو دیده
۳. یارب ترحمی ده آن یار بی‌وفا را
۴. ای مسلمانان چه شد لیلای دل
۵. تا زنده‌ام ای جان به طلبکار تو باشم
۶. ای که دلم رفته به یغمای تو
۷. آه از دمی که یار ز عشقم خبر شود
۲. ای بی‌مروت از من مسکین چه دیده‌ای
۳. واعظان گر درک سوز آتش هجران کنند
۴. رسیدنم بر جانان چه مشکل افتاد است
۲. زین سبب دیوانه ما با کسی مأنوس نیست
۳. نازک‌بدنا، سیم‌تنا، لاله‌عذارا
۴. آه صد آه که گشتم ز پر یار جدا
۵. رسید موسم گل سبزه‌ها ز خاک دمید
۶. جای دل در خم آن زلف پریشان دادم
۷. ز حسن روی تو خور خوبی جمال گرفت
۸. امروز دگر آخته‌ای تیغ جفا را
۹. بنمای رویت تا کنم یکدم تماشای دگر

قصیده در مدح نواب سید علی حسین خان بهادر معروف به نواب دوله صاحب دام‌اقباله:

هر صبح چو خسرو خاور عیان کند  
در مرثیهٔ ولد خود محمدنصیر که در فرخ‌آباد انتقال کرده بود:  
فغان که سوخت فلک مغز استخوان من

پس از کلام حامد آذربایجانی یک قصیدهٔ عربیه مولوی فضل حق خیرآبادی در نعت رسول اکرم (ص) و یک غزل عارف (شاید همان عارف اول الذکر باشد) به مطلع زیر آمده است:

شمشادقد و لاله‌رخ و گل‌بدن این‌ست جانانهٔ هر خلوت و هر انجمن این‌ست

این مجموعهٔ قصاید به خاطر دارا بودن اشعار عارف سبزواری و حامد آذربایجانی، حائز اهمیت است، و ذکر هر دو شاعر در تذکره‌ها به‌ندرت آمده است. حامد آذربایجانی از ایرانیان مقیم هند بشمار می‌رود.

خوشبختانه اخیراً نسخهٔ خطی دیوان حامد مراغه‌ای آذربایجانی را در همین کتابخانه دیدم که به احتمال قوی به خط شاعر است. این نسخه به خط نستعلیق خوش کتابت شده، و شامل قصاید و غزلیات اوست. جایی در همین نسخه تاریخ ۱۲۹۹ هـ.ق. / ۱۸۸۱ م. موجود است، لذا می‌توان گفت شاعر تا این تاریخ باید به‌قید حیات بوده باشد. نسخه در آخر نیز فاقد چند برگ است، لذا نمی‌توان گفت که اسم کاتب و تاریخ کتابت یا ترقیمه داشته یا خیر. قصاید بیشتر در مدح امیرمؤمنان حضرت علی ابن ابی‌طالب (ع) و نواب سیدعلی حسینخان بهادر معروف به نواب دوله صاحب و چند نفر دیگر است که اسامی‌شان قید‌گردیده است. اما دربارهٔ احوال شاعر تا به‌حال اطلاعی به دست نیامده است. البته در مجلهٔ ارمغان سال ۱۲ (ص ۱۷۶-۱۷۷) درباره‌اش مطلبی آمده است که تا به حال از نظر راقم سطور نگذشته است.

کاتب این نسخهٔ مجموعهٔ قصاید که شاگرد حامد مراغه‌ای و گردآورندهٔ این جنگ است، در یادداشت خود دربارهٔ حامد مراغه‌ای آذربایجانی می‌نویسد:

«و كان هذا الشعر من كلام الفاضل العلامة النحرير و العالم الكامل في التقرير و التحرير، طوطى شکرستان سخن، بلبل نغمه‌سنج انجمن، نوباوهٔ حدیقهٔ شاعری، نونهای



روضه سخنوری، افتخار شعرای زمان، نازش علمای جهان، فردوسی عصر، انوری دهر، شاهبیت قصیده فطانت، مطلع دیوان ذهانت، یگه‌تاز میدان معقول، فارس مضمار منقول، لجه بحر علوم دینیه، امواج قاموس کمالات یقینیه، گوهر نایاب عمان صاحب کمالی، لؤلؤی لالای اصداف حمیده خصالی، یوح دری سماء بلاغت، زهره زهرای سپهر فصاحت، اعنی اوستادنا العلامة و الفاضل الفخامة جناب آقا احمد صاحب متخلص به حامد اعطاه الله مدارج علیه فی الدارين و اعلى الله مراتبه بحق الحسن و الحسين، ولد احمد نصیر مراغه‌ای آذربایجانی، و در قوم ترکان مقدم و از اولادِ هلاکوخان است. به سبب گردش فکر کجرفتار جلای وطن خود را کرده وارد هندوستان جنت‌نشان گردیده. پس اتفاق ملاقات به این عاجز افتاده، چون که راقم هم از فن شاعری و شعرگویی رغبتی کمال داشت. اکثر از کلام ناقص خود به ملاحظه اوشان می‌آوردم و اصلاح می‌گرفتم. درین زمان خواستم که کلام معجز نظام اوستاد خود جمع کنم و به حیطة تحریر درآورم و داخل این جنگ سازم. چون که کلام آقاصاحب موصوف [حامد مراغه‌ای] اکثر به معرض تلف آمده بود و در زمان غدر و فساد به نهب و یغما رفته بود، لهذا این چند غزلیات و غیره به تجسس تام و کوشش تمام به هم رسانیده، به تحریرش پرداختم، ورنه کلام اوشان بسیار بود. و انالعاصی احمد حسین صانه‌الله عن کل شین بحرمة الحسن و الحسين علیهما الصلوة و السلام.

اینک در آخر این معرفی یک غزل از حامد مراغه‌ای آذربایجانی برای آشنایی بیشتر خوانندگان گرامی می‌آوریم:

وز کون و مکان طالب دیدار تو باشم	تا زنده‌ام ای جان، به طلب کار تو باشم
من خسته و افتاده و بیمار تو باشم	خوش آن که طیبانه به بالین من آیی
خواهم سبب گرمی بازار تو باشم <sup>۱</sup>	آزرده مشو زین که خریدار تو گشتم
یکبار دگر گوش به گفتار تو باشم	از دست اجل چند امانم بدهد چرخ
پیوسته طلب کار و <sup>۲</sup> خریدار تو باشم	تا آن که ز جان در بدن من رمقی هست

۱. این بیت در کلیات نیست اما در جنگ خطی موجود است.

۲. جنگ خطی: ندارد.

از رفتن تو سایه شود سرو خرامان      قربانِ قد و قامت و رفتار تو باشم  
حرفی نشنیدم ز لب لعل تو، تا کی      در حسرتِ گفتار شکر بار تو باشم؟  
از طنز به من گفت که ای حامد شیدا  
خواهم که انیسِ دل افگار تو باشم

## منابع

قندِ پارسی، ویژه‌نامهٔ حزین‌لاهیجی، شماره ۳۰-۲۹، دهلی، ۱۳۸۴ش. ۲۰۰۶م.  
عشرت، امرت لعل؛ Catalogue of the Persian Manuscripts in the Banaras Hindu  
University Library، بنارس، ۱۹۶۵م.